**تصویر ابرار در آینه قرآن(2(**

پدید آورنده : اکرم جمشیدیان ، صفحه 98

|  |
| --- |
| و یُسقَونَ فیها کأسا کانَ مزاجُها زنجَبیلا عَینا فیها تسمّی سلسبیلا؛  و از جام های شراب زنجبیل نوشانده می شوند. چشمه ای که سلسبیل نامیده می شود.  در شماره گذشته از تصویرسازی به عنوان نوعی بیان، سخن گفتیم و سپس در سوره مبارکه انسان که در شأن خاندان پاک پیامبر(ص) فرود آمده است، به معرفی و تجسم اعمال نیکوکاران پرداختیم. شاید به صورت خیلی خلاصه می توان گفت در این سوره روابط اساسی بین خداوند، انسان نیکوکار و عمل او و سیر حرکتش به سوی خداوند در اشکالی بسیار بدیع، طی سه مرحله تصویرسازی شده است؛ و از آنجا که انسان چیزی جز عملش نیست و این عمل پیوسته همراه و همدم اوست و بر ما چیزی جز ظاهر آن مشهود نیست، در این آیات از حقیقت اعمال نیکوکاران و ارتباط آنان با معبودشان به نوعی پرده برداری شده است.  در مرحله اول حقیقت عمل انسان نیکوکار و لذت از این عمل خیر به نوشیدن جام شراب معطر که نشان از صبر و بردباری او در این راه پرنشیب و فراز دارد، تصویرسازی شده و کار و تلاش پیوسته و گسترده او، به شکافتن زمین و به ثمر رسیدن آن، به جاری کردن چشمه که نمودی از جوشش و حرکت، نوآوری و طهارت و پاکی برای او و جامعه اش است، تمثیل شده و اینک ادامه مطلب:  در ادامه آیات، خداوند گاه از ظاهر اعمال چون ادای نذر، و گاه از باطن و حقیقت آنها و یا انگیزه نیکوکاران سخن به میان آورده است. نذر تعهدی است درونی بین خدا و انسان زمانی که در پیچ و خم های زندگی گرفتار مشکلات می گردد به پروردگار خویش پناه آورده با او عهد و پیمان ها می بندد. در خانه حضرت علی(ع) به عنوان والاترین مصداق این آیات، حسنین(ع) از بیماری بهبودی یافته اند و اینک در سخت ترین شرایط نوبت ادای نذر است. سه روز متوالی و سپس بخشیدن غذا در هر سه شب هنگام افطار تحمل این همه رنج و گرسنگی برای چیست؟ شاید این حرکت برای ما قابل درک نباشد. اما پاسخ این سؤال را در آیه بعد می یابیم. در این آیه دریک چرخش بسیار زیبا رشته کلام را به خود ابرار می سپرد و از زبان آنان چنین بیان می کند: «قطعا ما تنها برای رضای خدا طعام خود را می بخشیم و از شما هیچ گونه اجر و مزدی و حتی تشکر و قدردانی نمی خواهیم.»  این کلام تصویری زیبا از اوج افکار و اندیشه، رفعت مراتب ایمان و یقین نیکوکارانی است که انگیزه حرکت خود را تنها معبود و رضای او می دانند؛ اگر خوفی است از روزی است که زشتی اعمال، آشکار و فراگیر است؛ اگر وفای به نذری است به خاطر عهد با معبودی است که دعای ما را پذیرفته است؛ و اگر تحمل گرسنگی و اطعامی است باز هم تنها برای جلب رضای پروردگار است. نگرانی ما از فردایی است که حقایق آشکار و حقیقت گناه گرد افسوس و غم بر چهره ها بپاشد و همه عبوس و گرفته و پشیمان و پریشان باشند؛ و عشق به این معبود چنان اوج و فرازی به اندیشه و وسعتی به این روح می بخشد که می گوید: این تلاش هرگز برای اجر و مزد نیست و حتی ما انتظار قدردانی و تشکری از شما نیز نداریم.  خواهرم ... برادرم ... آیا ما چنین می اندیشیم؟ آیا رفتار ما با چنین اهداف و انگیزه هایی رقم می خورد؟ آیا هرگز اندیشیده ای که فاصله من و تو با این اندیشه و عمل تا کجاست؟  اما آن معبود رحمان و رحیمی که هرگز کوچک ترین حرکتی از دیده اش پنهان نیست اکنون به پاداش این تلاش های دائمی و خستگی ناپذیر و آن ایده ها و اراده ها خود محافظت نیکان را به عهده می گیرد؛ و زمانی که قادر متعال محافظ باشد دیگر در این پناهگاه مطمئن و آرام این انسان نیک سرشت، معبود خود را چنان نزدیک احساس می کند که در هر حرکت و عبادت، گویی با شادی و سرور به دیدار او می رود، هر نمازش معراجی است به کوی دوست، اکنون دیگر چشم های دل باز است، او عاشق و شیفته ای است که نه گرما می شناسد، نه سرما.  اینجا همان باغ بهشت و حریری است که فرشتگان پاک الهی با بهترین ظرف های نقره فام در اطرافشان می گردند و هر کس را به اندازه ظرفیتش می بخشند. این پذیرایی با شراب آمیزه زنجبیل است که به چشمه سلسبیل معروف است. زنجبیل، ماده ای است گرم و معطر که به این انسان نیکوکار شور و عشق می بخشد. گویی با جام هایی از این شراب، چنان مست و پرشور است که لحظه ای سر از پا نمی شناسد. هر نماز و عبادت و انفاق و ایثار و مجاهده و اخلاق نیکویش به نوشیدن جام و سرانجام رسیدن به سرچشمه سلسبیل تصویرسازی شده است. نکته جالب در این تصویرسازی نامعلوم بودن (مجهول بودن فعل یُسقون) ساقی این جام ها و چشمه است. حافظ چه زیبا سروده است که:  دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند  و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند  بیخود از شعشعه پرتو ذاتم کردند  باده از جام تجلی صفاتم دادند  شاید این تصاویر زیبا بتواند رمز و رازی از معماری عبادت های شبانه و هزار رکعت نماز مولا علی(ع) در شب، یا پاهای متورم از عبادت و اخلاق خوش حضرت زهرا(س) و ندای «الهی رضا برضاک» امام حسین(ع) و صبوری و بردباری امام حسن(ع) و زیبایی حوادث کربلا از زبان حضرت زینب، بر ما می گشاید. آنچه مسلم است در این دنیا شعاع کوتاهی از جلوه این پاداش ها و نعمات را می توان دریافت داشت و بهشت برین خداوند جلوه واقعی و حقیقی آن است.  بار الها ...  ما واماندگان راه دیار توایم، گرد و غبار گناه و غفلت، افکارمان را پریشان و چهره هایمان را در هم کشیده است. لحظات عبادت هایمان با وسوسه های شیطان به بی خبری و سردی گراییده است.  خداوندا ... اگر چه ما در درگاه تو روسیاه و گنهکاریم اما نیکان و ابرارت را به نزد تو شفیع آورده ایم، از تو آمرزش و مغفرت می خواهیم، خدایا راه بر ما بگشا و لذت جام شراب کافور و چشمه سلسبیل خود بر ما بچشان، قدرت مبارزه با خودخواهی و غرور، همچنین ایثار و گذشت در راه خود به ما عنایت فرما، انس با کلام خود و درک معرفت آن و گام نهادن در راه خاندان پاک پیامبرت به ما عطا فرما!  انشاءالله |